

# مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث

دکتر ناصر محسنی نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## چکیده

در این مقاله سعی شده است علاوه بر بررسی میزان تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه سرای ادب فارسی و عربی، یعنی مسعود سعد سلمان و ابوفراس حمدانی، از قرآن و حدیث، این تأثیرپذیری در شعر دو شاعر مقایسه شود.

ترتیب مطالب مقاله به قرار زیر است:

۱. میزان تأثیرپذیری دو شاعر از قرآن و حدیث با استناد به شواهد شعری از هر دو شاعر،

۲. نحوه تأثیرپذیری و استفاده دو شاعر از قرآن و حدیث و تحلیل مختصر آن،

۳. توانمندی دو شاعر در به کارگیری آیات و احادیث در شعر خود با نگرش انتقادی،

۴. نتیجه گیری.

در پایان چکیده یادآور می شود که انتخاب این دو شاعر به دلایل زیر بوده است:

۱. مسعود سعد و ابوفراس هر دو از بهترین حبسیه سرایان دو ادب فارسی و عربی هستند.

۲. از لحاظ تاریخی به یکدیگر نزدیک اند.

با پیدایش دین حنیف اسلام، دگرگونی های بسیار ژرفی در زمینه های گوناگون

زندگی بشر روی داد. این تحولات بزرگ، بسیار سریع‌تر از آنچه انتظار می‌رفت، جای خود را در ابعاد مختلف حیات انسان‌ها باز کرد و فرهنگ اقوام و ملل گوناگون، بالأخص ملل مجاور و همسایه با مهبط وحی را تحت تأثیر شدید خود قرار داد و در اغلب موارد حیات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آن ملت‌ها را مغلوب و رام خود ساخت.

بی تردید، قرآن کریم و احادیث پیامبر، اساسی‌ترین عوامل در روند اجرایی این تحول بوده‌اند، به گونه‌ای که اندک زمانی بعد از نزول قرآن و همزمان با حیات مبارک پیامبر اسلام (ص)، نشانه‌های این دگرگونی‌های بزرگ فرهنگی و اجتماعی و اعتقادی به سرعت شگفت‌آوری بروز کرد. از لحاظ زبانی و ادبی، ابتدا شاعران و خطیبان و نویسندگان عرب و سپس با گسترش نفوذ دین اسلام در ایران و دیگر ملت‌های مجاور جزیره‌العرب، شاعران، ادیبان و نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی تحت تأثیر این جریان مواج قرار گرفتند. شاعران و ادیبان ایرانی پس از پذیرش دین اسلام، به کارگیری و استفاده از قرآن و حدیث را در شعر و کلام منظوم و منثور خود به‌عنوان یک اعتقاد دینی و ثواب شرعی و جهت همت خویش ساختند و در این مضمار، به‌مرور، گوی سبقت را از همگان عرب خود ربودند. اگرچه شاعران و ادیبان عرب و زبان عربی، به‌دلیل ضرورت تاریخی اولین متأثران از قرآن و حدیث هستند، این امتیاز طبیعی هرگز باعث نشد که بهترین و عالی‌ترین هم باشند. زبان و ادبیات فارسی با آنکه حدود ۲ قرن بعد از ظهور اسلام حیات مجدد خود را آغاز می‌کند، در زمینه استفاده و تأثیرپذیری از آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)، به‌ویژه احادیث پیامبر (ص)، به استناد مدارک غیر قابل انکار، در مدت زمانی نه‌چندان طولانی، گوی سبقت را از هر زبانی از جمله زبان عربی می‌رباید و از همه آنها پیشی می‌گیرد. اینکه چرا شاعران و نویسندگان عرب، با وجود برخورداری از امتیاز بزرگ عربی بودن قرآن و حدیث، در زمینه استفاده و به‌کارگیری آنها در شعر و آثار خود کمتر تلاش کرده‌اند، و یا هرگز به پای شاعران و ادیبان و نویسندگان فارسی‌زبان نرسیده‌اند، مطلبی است که پاسخ مفصل آن از حوصله این مختصر بیرون است؛ ولی آنچه مسلم است و هیچ تردیدی در آن راه ندارد، این است که بهره‌گیری زبان و ادبیات عربی از آیات و احادیث، بسیار کمتر از بهره‌گیری زبان و

ادبیات فارسی از این مقولات مهم بوده است؛ با آنکه زبان و ادبیات عربی، زبان قرآن و حدیث است، و از حجم استعمال زیاد و توانمندی فراوانی برخوردار است. و این برای ما ایرانیان و فارسی‌زبانان مایه مباهات و افتخار است؛ چرا که زبان و ادبیات فارسی بیشترین بهره را در زمینه به کارگیری آیات و احادیث در میان همه زبان‌های موجود جهان حتی زبان عربی، نصیب خود ساخته است، و این مطلب، با قدری دقت، کاملاً قابل اثبات است و سندیت لازم را دارد.

برای مثال با مطالعه آثار شاعران بزرگ دوره اموی و عباسی می‌توان دریافت که آنها، آن چنان که شرایط تاریخی و اجتماعی و سیاسی عصرشان اقتضا می‌کرده است، از آیات و احادیث، بهره لازم را نبرده‌اند. در یک نگاه گذرا به دیوان شاعرانی چون حسان بن ثابت انصاری، فرزدق، جریر، أخطل، بشار، أبونواس، بحتری، ابوالعتاهیه، ابن الرومی، متنبی و... این مسئله به خوبی روشن می‌شود که شاعران بزرگ ادب عربی، آن هم در دوره‌های طلایی و نزدیک به نزول وحی این زبان، هرگز به اندازه شاعران بزرگ ادب پارسی همچون ناصر خسرو، عطار، مولوی، سعدی، خاقانی و... از قرآن و حدیث بهره نبرده‌اند؛ حال آنکه این شاعران، هم از زمان نزول وحی فاصله بیشتری داشته‌اند و هم اینکه عرب یا عرب‌زبان نبوده‌اند.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر در این زمینه، مقایسه‌ای میان سعدی و متنبی به‌عنوان دو رکن در هریک از دو ادب به‌عمل آوریم. با این مقایسه، به خوبی روشن می‌شود که استفاده و تأثیرپذیری متنبی از قرآن و حدیث در مقایسه با استفاده و تأثیرپذیری سعدی، بسیار اندک و تقریباً غیر قابل قیاس است و این در حالی است که متنبی در قرن ۴ و در محیطی سراسر عربی و اسلامی زندگی می‌کند و خود نیز عرب است، حال آنکه سعدی در قرن ۷ زندگی می‌کند، ایرانی است و در محیط فارسی و ایرانی رشد کرده است.

البته نمی‌توان منکر استفاده و تأثیرپذیری فراوان بعضی از شاعران ادب عربی از قرآن و حدیث شد؛ ولی، سخن این است که در نگاه کلی شاعران ایرانی و فارسی‌زبان بسیار بیشتر و بهتر از شاعران عرب و عرب‌زبان از قرآن و حدیث متأثر شده و آنها را در شعر و آثار خود به کار گرفته‌اند. حتی در پاره‌ای موارد، برای شاعران ما نظیری در ادب عربی پیدا نمی‌شود؛ مولوی، عالی‌ترین این نمونه‌ها است.

این مقایسه در نثر ادبی، به ویژه نثر فنی، هم امکان پذیر است. با بررسی متون نثر پارسی می توان دریافت که نثرنویسان ایرانی، بالأخص در آثار فنی خود، بسیار بیشتر از نثرنویسان ادب عربی از قرآن و حدیث بهره برده اند. این مقایسه و تفاوت را می توان در مقامات حریری، همدانی، حمیدی، دژه نادره، تاریخ و صاف و غیره به خوبی نشان داد و نیز در دیگر متون نثر و فنی ادب فارسی.

و اما غرض اصلی از این مختصر، مقایسه میزان تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ ادب فارسی و عربی، از قرآن و حدیث است؛ که در طی آن روشن خواهد شد این دو شاعر در چه مواردی با یکدیگر تشابه یا تمایز دارند. این دو شاعر، یکی ابوفراس حمدانی - حبسیه سرای بزرگ ادب عربی - (متولد ۳۲۱ و متوفای ۳۵۷) و دیگری مسعود سلمان - حبسیه سرای بزرگ ادب فارسی - (متولد ۴۲۸ و متوفای ۵۱۵) است.

انتخاب این دو شاعر به چند دلیل بوده است:

نخست اینکه آن دو، بزرگ ترین حبسیه سرایان هریک از دو ادبیات اند؛ دیگر اینکه، نقاط مشترک فراوانی در زندگی و شعر آنها به چشم می خورد، از لحاظ تاریخی فاصله چندانی با یکدیگر ندارند، و از هر کدام از آنها فقط یک دیوان شعر به جای مانده است.

محورهای این تحقیق به قرار زیر است:

۱. مختصری پیرامون جلوه مسائل اسلامی - اعتقادی در دیوان دو شاعر،
۲. جلوه داستان پیامبران و اولیای خدا در دیوان دو شاعر،
۳. جلوه آیات قرآن در دیوان دو شاعر،
۴. جلوه احادیث در دیوان دو شاعر،
۵. نتیجه گیری،
۶. منابع و مأخذ تحقیق.

قبل از ورود به محورهای این تحقیق، ذکر مطالب زیر مفید و ضروری به نظر می رسد:

۱. ابوفراس حمدانی، شاعر بزرگ دوره طلایی ادب عرب و از نزدیکان سیف الدوله حمدانی، ممدوح متنبی است؛ و این دوره از دوره های اوج و شکوفایی

ادب عربی به شمار می‌رود.

۲. تاریخ و عصری که ابوفراس حمدانی در آن می‌زیسته، به دوره صدر اسلام نزدیک‌تر بوده، و او در یک محیط کاملاً عربی رشد و نمو کرده و خود نیز عرب بوده است.

۳. دیوان شعر ابوفراس، تنها اثر باقی‌مانده از او است که حدود ۵۰۰۰ بیت دارد.

ابوفراس در سن حدود ۳۶ سالگی کشته شده.

۴. مسعود سعد سلمان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌زیسته و اصالتاً ایرانی است. او از محیط‌های عربی بسیار دور بوده و در لاهور و حوالی آن، عمر سپری کرده است.

۵. دوره مسعود سعد اگر چه تا حدودی دوره شکوفایی نسبی ادب فارسی است، در ادب و به ویژه شعر فارسی هنوز میل به سره‌گویی است و استفاده فراوان از واژه‌ها، عبارات عربی و آیات و احادیث متداول نشده است.

۶. دیوان مسعود تقریباً ۱۳ هزار بیت دارد و عمرش بالغ بر ۸۰ سال بوده است.

۷. مسعود سعد یک دیوان عربی هم داشته، که جز نام چیز دیگری از آن باقی نمانده است البته حریری - صاحب مقامات - شعری در ستایش شاعری مسعود سعد دارد که این شعر در کتاب بدائع‌الملح قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی آمده و نشانگر علو مقام مسعود در ادب عربی است (خوارزمی، ۱۳۷۱: ۲۷).

## ۱. مختصری پیرامون جلوه مطالب اسلامی و مذهبی در دیوان دو شاعر

با بررسی دیوان دو شاعر روشن شد که هر دو شاعر به مسائل دینی و اسلامی توجه داشته و در هر فرصت مناسبی توجه و علاقه خود را به مسائل دینی و اسلامی نشان داده‌اند. مسعود سعد به‌هنگام مدح ممدوحان خود، نیم‌نگاهی به مسائل اسلامی و اعتقادی در شعر خود دارد. اگرچه ذهن او در این باره متوجه ممدوحان و بیان صفات ایشان است، تردیدی نیست که شاعر در قالب مدح ممدوحان، اعتقادات و توجه خود به مسائل دینی را به‌نمایش می‌گذارد. به‌عنوان مثالی از این دست، در مدح یکی از بزرگان عصر خود گوید:

پشت اسلام را دهی قوت

چشم اقبال را کنی بیدار

(دیوان، ص ۱۸۰)

مسعود سعد به ویژه در لابه لای سروده های مدحی خود، به شعایر و مسائل مذهبی توجه نشان می دهد؛ برای مثال، در ادامه مدح سلطان محمود، درباره ماه رمضان و فریضه روزه چنین می سراید:

مه صیام درختی است بار او رحمت به آب زهد توان خورد هم ز شاخش بر

(دیوان، ص ۱۶۸)

و آنگاه که به مدح سیف الدوله محمود مشغول است، دل مشغولی خود به دین را این گونه بیان می کند:

بدسگالان بی دیانت را از جهان تارومار باید کرد

روی خود را به پیش شاه جهان چون گل آبدار باید کرد

چمله بنیاد دین و دولت را به حسام استوار باید کرد

(دیوان، ص ۱۳۳)

مسعود، از هر فرصتی برای اظهار مسلمانی و اسلام خواهی خود استفاده می کند؛ در جایی گوید:

هیچ کس را غم ولایت نیست کار اسلام را رعایت نیست

کارهای فساد را امروز کارهای فساد است و اندازهای و غایت نیست

(دیوان، ص ۵۹)

با در نظر داشت نمونه های فوق، و با توجه دقیق به اشعار مسعود سعد، می توان در زمینه جلوه مسائل مذهبی و اسلامی و اعتقادی در شعر مسعود سعد گفت: «اصولاً مسعود سعد در لابه لای اشعار خود، به ویژه اشعار مدحی خود، با اسناد صفات دین خواهی و اسلام گرایی به ممدوحان خود، گه گاه توجه به مطالب و مسائل اسلامی و اعتقادی را در شعر خود در حدی متوسط، جلوه گر می سازد.»

جلوه مطالب و مسائل اسلامی و اعتقادی در شعر ابوفراس حمدانی تا حدود زیادی با نحوه بروز این مسائل در شعر مسعود سعد سلمان متفاوت است. با ارائه مثال هایی از شعر مسعود سعد معلوم شد که او مسائل اسلامی و اعتقادات مذهبی را گاهی، آن هم بیشتر از طریق اشعار مدحی خود، بیان می کند؛ اما ابوفراس

حمدانی در این زمینه قصاید و قطعات مرتبط و کاملاً هدفمند دارد. بلکه با توجه به این قصاید و قطعات می‌توان گفت: ابوفراس حمدانی، شاعری است که برخلاف مسعود سعد، نگاهی عمیق به مسائل اسلامی و اعتقادی و مذهبی دارد. او تاریخ اسلام و حوادث اسلامی را به خوبی می‌داند، و با توجه به شناخت عمیقی که از اسلام و تاریخ اسلام دارد، نمی‌تواند در قبال ضایع شدن دین و احکام آن و پایمال شدن حق اولاد پیامبر (ص) ساکت بنشیند؛ لذا با همه وجود فریاد دفاع از دین و اهل بیت را سر می‌دهد، تا جایی که بزرگان شیعه بعد از عصر او، او را از مجاهرین به دفاع از اهل بیت و شیعه معرفی می‌کنند (ابن شهر آشوب، بی تا: ۷۴).

از همین رو، جلوه اعتقادات دینی و مذهبی در شعر ابوفراس، جایگاه بسیار والایی دارد. ابوفراس در این زمینه، قصاید و قطعات عدیده‌ای سروده و در آنها، با بیانی شاعرانه و سراسر آکنده از منطق و استدلال، از این اعتقادات و ارزش‌ها دفاع کرده است. از جمله:

در قطعه‌ای، ضمن تصریح به نام معصومین (علیهم السلام) نزد خداوند به آنها متوسل می‌شود و توسل به آنها را تنها راه نجات خود از هر تاریکی می‌داند:

سَأْتُ اَرْجُو النِّجَاةَ، مِنْ كُلِّ مَا اَخَذَ	شَاءُ اَلْاَبِ «اَحْمَد» وَ «عَلِيٍّ»
وَبِنْتِ الرَّسُولِ «فَاطِمَةَ» الطُّهْرِ	رَ، وَ «سَبْطِيَّةَ» وَ «الْاِمَامَ» «عَلِيٍّ»
وَالْتَّقَى النِّقَمَى، بِاَقْرَعِ عِلْمِ الْ	لَهُ فَيُنَا، «مَحْمَدِ بْنِ عَلِيٍّ»
وَابْنِهِ «جَعْفَرًا» وَ «مُوسَى» وَ مَوْلَا	نَا «عَلِيٍّ» اَكْرِمَ بِهِ مِنْ عَلِيٍّ
وَ «اَبِي جَعْفَرٍ» سَمِيَّ رَسُوْلِ الْ	لَهُ ثُمَّ اِبْنَهُ الزَّكِيَّ «عَلِيٍّ»
وَ اِبْنِهِ «العَسْكَرِيَّ» وَ الْقَائِمَ الْمُظْ	هَرِ حَقِّي «مَحْمَدِ بْنِ عَلِيٍّ»
فِيهِمْ اُرْتَجَى بُلُوغَ الْاَمَانِي	يَوْمَ عِرْضِي عَلِيٍّ مَلِيكِ عَلِيٍّ

(دیوان، ص ۳۵۲-۳۵۱)

ابوفراس را در مدح اهل بیت قصیده‌ای است در ۳۶ بیت که ابتدای آن تغزلی زیبا است؛ ولی او در ادامه با منطقی قوی و استدلالی نیرومند، با تکیه بر اطلاعات دقیق تاریخی، اهل بیت پیامبر (ص)، به ویژه سیدالشهدا، را مدح و از آنها دفاع می‌کند و مظلومیت و حقانیت ایشان را به بهترین وجه ممکن، با استدلال‌های منطقی و با بیانی شاعرانه، نشان می‌دهد، از جمله گوید:

حرم «الحسین» الماء وَ هَوَيراهُ  
 مَن شُرِبَ عَذْبُ الماءِ ما أَرَواهُ  
 أَدْنَتْهُ كَفًّا «جَدِّه» و يَداهُ  
 وَ بَكَتْ دِما مِمَّا رَأَتْهُ سِماهُ  
 أَوْذَى بِكِما لَمْ تَفْضُ عَيناهُ  
 فِما يَسِوءُهُمُ غِدا عَقِباهُ  
 مِمنهُ «النَّبِى» مَن المَقالِ أباهُ؟  
 «مَن كُنْتُ مَولاهُ فِذا مَولاهُ!»  
 يا مَن يَقولُ بِأَنَّ ما اوصاهُ؟!  
 و تَأَمَّلُوهُ، و أَفْهَمُوا فَحَواهُ!  
 مَن دونِ كَلِّ مُنْزَلِ، لِلقاءِ  
 لَفِظِ النَّبِى وَ نُطْقِهِ و تِلاهُ  
 بِالكَفِّ مَنهُ بابِهِ، و دِحاَهُ؟  
 مَن أَرزَلَ المِخْتارِ؟ مَن آخاهُ  
 لَمَّا أَظَلَّ فِراشَهُ أَعَداهُ  
 «الصَّادِقونَ القاتنونَ» سِواهُ؟  
 (ديوان، ص ۳۴۸-۳۴۶)

فَحَرَمْتُ قُرْبَ الوَصلِ مِمنهُ مِثْلا  
 اذ قال: إِشْقُونِى اِفْعَوضُ بِالقِنا  
 فاحترَّ رَأْسُ، طالما مَن جِجِرِهِ  
 يَوْمَ عَلِىهِ تَغَيَّرَتْ شِمسُ الصُّحى  
 لا عَذَرَ فِىهِ لِمُهْجَةٍ لَمْ تَنفَطِرْ  
 تَبًّا لِقَومِ، تابَعوا أَهْواءَهُمُ  
 أَتَراهُمُ لَم يَشِمعُوا ما خَصَّهُ  
 اذ قال يَوْمَ «غَدِيرِخَمِّ» مُعَلِّنا  
 هذِى وَصِيتُهُ اليكُم اِفافَهُمُوا!  
 أَقْرُوا مَن «القرآن» ما فى فَضْلِهِ!  
 لو لَمْ تُنْزَلِ فِىهِ الا «هل أتى»  
 مَن كَالِ أوَّلِ مَن جَنِى «القرآن» مَن  
 مَن كان صَاحِبِ فَتْحِ «خِيبِر»؟ مَن رَمى  
 مَن عاصِدِ «المِخْتار» مَن دونِ الوَرى؟  
 مَن باتَ فِوقِ فِراشِهِ مَتَنكِرًا  
 مَن ذَا ارادَ إِلِهُنا بِمِقالِهِ:

ابوفراس در یک قطعه ۴ بیتى، ضمن نام بردن از ۱۴ معصوم (ع)، آنها را شافع  
 خود در روز جزا مى داند:

شافعى «احمد» النبى، و مولا  
 عى «علی» و «البنّت» و «السبطان»

(ديوان، ص ۳۲۷)

قصیده میمیه ابوفراس حمدانى، با عنوان «شافیه»، بى تردید، بیانگر عالى ترین  
 شکل بروز و جلوه اعتقادات و مسائل مذهبی و دینی در شعر ابوفراس است. این  
 قصیده متین ۶۱ بیت دارد و در واقع جوابی است محکم و قاطع به قصیده  
 «محمد بن سکره الهاشمی» که اولاد ابى طالب، بنى العباس، را بر اولاد علی،  
 بنى هاشم، ارجح دانسته است. البته ابوفراس به جهت سخافت علمی و اخلاقى  
 «ابن سکره»، پاسخ ابن سکره را غیر مستقیم و بدون ذکر نام، طى قصیده ارزشمند



مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه‌سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث ۲۶۳

«شافیه»، می‌دهد. او در این قصیده ۶۱ بیتی، از ارزش‌های اهل بیت (ع) دفاع و مثالب و زشتی‌های بنی‌العباس را بیان می‌کند؛ کاری که بنا به گفته بزرگان شیعه، کم‌نظیر و یا بی‌نظیر می‌نماید (الامین، بی تا: ج ۷، ص ۶۳).

بزرگان و محدثان و علمای شیعه، این قصیده را شاهکار ابوفراس دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که آن را مستقلاً شرح کرده و ابوفراس را به خاطر دفاع منطقی و جانانه از اهل بیت (ع) ستوده‌اند (امیرالحاج‌الحسینی، ۱۴۱۶ ه. ق: مقدمه، ص ۷). مطلع این قصیده چنین است:

الدين مخترمٌ، والحق مهتضم  
وفى آلِ «رسول الله» مُقتسَم

(دیوان، ص ۳۰۴-۳۰۰)

ابوفراس در این قصیده با صلابت، از هیچ چیز و هیچ کس غافل نمانده است. او طی این قصیده بلند، ضمن رعایت کامل ارکان قصیده‌سرایی، طی ابیاتی دلنشین، از حقانیت اهل بیت پیامبر (ص) دفاع می‌کند، تمامی معاندان و دشمنان اهل بیت را رسوا می‌سازد و با استدلال‌های قوی و مستند، حقانیت (ص) اهل بیت و بطلان مخالفان ایشان را ثابت می‌کند؛ اطلاعات دقیق از تاریخ قبل و بعد از اسلام، آشنایی با احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، درک عمیق مسائل سیاسی صدر اسلام، نسب‌شناسی، آشنایی با تراجم رجال قدرت و توان شاعری، اعتقادات عمیق و ریشه‌دار، همه و همه، از جمله ابزارهای بوده‌اند که ابوفراس را در شکل‌دهی و خلق این قصیده یاری داده‌اند، به گونه‌ای که اگر فقط همین قصیده ۶۱ بیتی از ابوفراس باقی مانده بود، بی‌تردید، در مقام و منزلت او هیچ نقصانی پدید نمی‌آمد، و او باز هم همین ابوفراس می‌بود که اکنون او را می‌شناسند. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت توجه به مسائل اسلامی و اعتقادی در شعر ابوفراس حمدانی کاملاً هدف‌دار و برنامه‌ریزی شده است، و این توجه در شعر مسعود سعد، اگرچه جسته و گریخته، وجود دارد، هدف‌دار، سیاسی، و برنامه‌ریزی شده نیست و ترتیب منطقی خاصی در آن مشاهده نمی‌شود.

۲. جلوه اسامی پیامبران و اولیای خدا و داستان زندگی آنها در دیوان دو شاعر در شعر ابوفراس حمدانی، برعکس شعر مسعود سعد سلمان، جلوه نام پیامبران و اولیای خدا و اشاره به داستان زندگی ایشان بسیار کم رنگ است. گذشته از ذکر نام پیامبر (ص) و بیان پاره‌ای صفات جمیله آن بزرگوار، فقط یک بار به نام حضرت موسی (ع) و داستان عبور او از نیل در دیوان ابوفراس برمی‌خوریم و جز آن، ذکر و یادى از دیگر پیامبران و اولیای الهی مشاهده نمی‌کنیم. ابوفراس در اشاره به داستان عبور بنی اسرائیل از نیل، چنین می‌سراید:

كَأَنَّمَا الْمَاءُ عَلَيْهِ الْجَسْرُ      دَرْجٌ بِيَاضٍ خُطٌّ فِيهِ سَطْرٌ  
كَأَنَّنَا، لَمَّا اسْتَتَبَّ الْعَبْرُ      أُسْرَةَ مُوسَى يَوْمَ شَقَّ الْبَحْرُ

(دیوان، ص ۱۶۰)

اما - همان‌طور که عنوان شد - جلوه نام پیامبران و اولیای خدا و اشاره به داستان‌ها و اخبار مربوط به ایشان در شعر مسعود سعد، فراوان و متنوع است. اشاره‌های متعدد به داستان حضرت موسی (ع)، عیسی (ع)، نوح (ع)، آدم (ع)، یوسف (ع)، سلیمان (ع)، مریم عذرا (ع)، داود (ع)، ابراهیم خلیل... (ع)، پیامبر اسلام (ص)، علی (ع)، شهدای کربلا و مهدی صاحب‌الزمان (عج)، از این قبیل است. اینک نمونه‌هایی از این اشاره‌ها در شعر مسعود سعد:

كُفِيَ تَوْرًا فِي مِثْقَالِ آتَشٍ وَ آبٍ      بِنَازِ نَشْنَأَسْدٍ مِنْ خَلِيلٍ وَ كَلِيمٍ  
كَعِبَةُ دَوْلَتِ اسْتَفْحَ آثَارِ      تَبَا بُوَدُ فِي مَقَامِ اِبْرَاهِيمِ

(دیوان، ص ۶۱۶)

مصطفی گفت هر عزیز که او      به دلیلی فتد بود مرحوم

(دیوان، ص ۶۱۴)

با قوت و قدرت سلیمانم      زیرا از اصل و نسل داوادم

(دیوان، ص ۶۱۱)

به نیکی خلیلی به پاکی کلیمی      به روی و خرد یوسف و مصطفایی

(دیوان، ص ۵۲۲)

تو بنیاد فضلی و اصل سخایی      به فضل و سخا حیدر مرتضایی

(دیوان، ص ۵۲۱)

مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث ۲۶۵

محمد خصلی و آدم کمالی

براهیم خلقی و یوسف القای

(دیوان، ص ۵۱۶)

به گاه بخشش مانند عیسی مریم به گاه کوشش مانند موسی عمران

(دیوان، ص ۴۴۹)

صفت لفظ عیسی مریم معجزه دست موسی عمران

(دیوان، ص ۳۸۰)

شاهها تو سلیمانی و در دولت ملک

هر مرکب شیرین تو چون تخت سلیمان

(دیوان، ص ۳۷۶)

والله که چو گرگ یوسفم والله بر خیره همی نهند بهتاند

(دیوان، ص ۳۵۳)

نمایی به جود آنج عیسی به دم نمایی به رأی آنج موسی به کف

(دیوان، ص ۲۹۹)

شاهها تو سلیمان روزگاری مرغان تو تیرهای باهر

(دیوان، ص ۲۳۹)

چون باد تو را مرکبان تازی با باد همه هم عنان وهمبر

به نامت که زد دست در شاخ خشک که چون نخل مریم بیارورد بر

(دیوان، ص ۲۰۱)

مگرش چون محمد طاهر گوهر از پاک مصطفی باشد

لاجرم جاه و حق حرمت او چون شهیدان کربلا باشد

(دیوان، ص ۱۰۹)

### ۳. جلوه آیات قرآنی در دیوان دو شاعر

استفاده از آیات و مضامین آیات قرآن در دیوان هر دو شاعر آشکار است. با این توضیح که مسعود سعد در شعر خود به ۴ شیوه از قرآن متأثر شده است: گاهی الفاظ و ترکیبات مشهور قرآنی را در شعر خود به کار می‌گیرد، گاه به داستان‌ها و قصص قرآنی اشاره می‌کند، گاهی مفاهیم و محتوای آیات را به کار می‌برد، و گاه صراحتاً

یا تلویحاً آیه‌انی را به کار می‌گیرد. با توجه به این ۴ شیوه، به ضرس قاطع می‌توان گفت که مسعود سعد در ۶۰ موضع دیوان خود، از قرآن متأثر بوده است؛ و اگر موارد مشابه و تکراری را یکی بدانیم، این تأثیرپذیری به حدود ۳۲ مورد می‌رسد. در مورد ابوفراس حمدانی هم اگر به همین شیوه عمل کنیم، مجموع موارد تأثیرپذیری ابوفراس حمدانی از قرآن، ۱۸ مورد خواهد بود. البته اغلب این شواهد با ذکر آیه مورد نظر ارائه خواهد شد؛ ولی ضروری بود که ابتدا میزان تأثیرپذیری دو شاعر از قرآن در اشکال گوناگونش بیان و روشن شود که در مجموع، مسعود سعد، با توجه به شواهد، بسیار بیشتر از ابوفراس از قرآن متأثر بوده است.

#### الف - دیوان مسعود سعد سلمان

آموزش بخواه شود عفو جرم تو این گفت در کریم ثبی کردگار گفت

(دیوان، ص ۶۷۰)

مفهوم بیت فوق، ناظر به آیات عدیده‌ای از قرآن کریم است. از جمله اشاره دارد به آیه ۳ سوره مبارکه نصر: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا». و نیز آیه ۸۲ سوره مبارکه طه و آیاتی دیگر مانند آن.

در باس چو طاهر علی آهن نیست بی منت طاهر علی گردن نیست

(دیوان، ص ۶۸۹)

مصراع اول بیت فوق، اشاره مستقیم دارد به آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید: «... وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ...».

شاه باشد در آن ثواب شریک و هو عندالله لیس یضیع

(دیوان، ص ۶۰۷)

مفهوم بیت فوق، اشاره‌ای است به مضمون آیاتی عدیده از قرآن کریم از جمله آیه ۱۹۵ سوره مبارکه آل عمران: «... أَنِّي لَأُضِيعُ عَمَلٌ غَامِلٍ مِنْكُمْ...».

آمد عید شریف فرخ و فرخنده باد فیه «کلوا و اشربوا» یا ایها الصائمون

(دیوان، ص ۵۵۷)

بیت فوق، اشاره‌ای است به آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره: «... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...».

التجای تو به تخت آمدونعم الملتجاء

ایزدت دایم معین واللّه خیرالمستعان

(دیوان، ص ۴۷۰)

مصراع اول اشاره دارد به آیه ۱۸ سوره مبارکه یوسف: «...وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ...»؛ و مصراع دوم اشاره دارد به بخشی از آیه ۷۸ سوره مبارکه حج: «...وَاَعْتَصِمُوا بِاللّٰهِ هُوَ مَوْلٰیكُمْ فِیْ نِعْمِ الْمَوْلٰی وَ نِعْمِ النَّصِیْرُ...»

نه نه زمانه خود چو کند خود زمانه کیست

حکم قضاخدای تعالی کند همی

(دیوان، ص ۵۰۸)

اندرین سمج کار من شب و روز مدح سلطان و سوره قرآن  
حکم و فرمان خدای راست و بلخمر او کند حکم و او دهد فرمان

(دیوان، ص ۴۵۶)

بیت اول اشاره دارد به مفهوم آیه ۶۲ سوره مبارکه انعام: «...اَلَا لَهٗ الْحُكْمُ وَ هُوَ اَشْرَعُ الْحَاۤسِبِیْنَ»؛ همچنین به مفهوم آیه ۳۱ سوره مبارکه رعد: «...بَلْ لِّلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِیْعًا...» و آیه ۱۵۴ سوره مبارکه آل عمران: «...هَلْ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ مِیْنُ شَیْءٍ قُلْ اِنِ الْاَمْرُ كُلُّهُ لِلّٰهِ...» و مفهوم آیه ۴ سوره مبارکه روم: «...لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدِ...».

أصبحت شمس العلی فی دولة من مشرق  
نحمد الرحمن حمداً و هو رب العالمین

(دیوان، ص ۴۶۰)

مصراع دوم بیت اشاره دارد به مفهوم آیات عذیده‌ای از قرآن کریم، از جمله آیه ۳۶ سوره مبارکه جاثیه: «فَلِیْلِهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَ رَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ.»

از بهر شادی دل و جان جام می ستان

از دست آن که هست به خوبی چو حورعین

(دیوان، ص ۴۳۶)

مصراع دوم اشاره دارد به آیه ۵۴ سوره مبارکه دخان: «...وَرَزَوْنَا لَهُمْ بِحُورِ عِیْنٍ.»  
ای آفریده جانت جان آفرین به حق از آفرین که از وی بر جانت آفرین

(دیوان، ص ۴۳۵)

مفهوم بیت فوق اشاره دارد به آیات عدیده‌ای از قرآن کریم از جمله آیه ۶۴ سوره مبارکه غافر: «... وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ...» و آیه مبارکه مؤمنون «... فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.»

نیک دانی که کس نیاید پس      با قضا‌های ایزد دادار

(دیوان، ص ۲۸۷)

یقین شدم که به کوشش زمن نگردد باز

اگر قضایی کردت ایزد سبحان

(دیوان، ص ۴۲۰)

دو بیت فوق به مفاهیم آیات عدیده‌ای اشاره دارند، از جمله آیه ۶۲ سوره شریفه احزاب: «سُنَّةَ اللهِ فِي الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبْدِيْلًا» و آیه ۲۳ سوره مبارکه فتح: «... وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبْدِيْلًا...»

زیار یاد همی آیدم که هر عیدی      در آمدی ز درمن بسان حور قصور

(دیوان، ص ۲۷۹)

این بیت اشاره دارد به آیه شریفه ۷۲ سوره الرحمن: «حُوْرٌ مَّقْصُوْرَاتٌ فِي الْخِيَامِ.» آن در آن مجلس بر آنکه لاتیاس      وین در این میدان براینکه لاتامن

(دیوان، ص ۳۹۲)

بیت بالا اشاره دارد به آیه شریفه ۸۷ سوره یوسف: «... لَأَتَّيْسُوا مِنْ رُوْحِ اللهِ اِنَّهُ لَأَيُّسُ مِنْ رُوْحِ اللهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُوْنَ» و نیز آیه شریفه ۹۹ سوره اعراف: «اَفَاْمِنُوْا مَكْرَ اللهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ.»

چنان‌که دانیم او را به عقل کی باشد      چنان‌که باشد او را به وهم کی دانیم  
چگونه انکار آریم هستی او را      که ما به هستی او را دلیل و برهانیم

(دیوان، ص ۳۶۵)

این دو بیت اشاره دارد به آیه شریفه «لَا تُدْرِكُهُ اِلَّا بَصٰرٌ وَ هُوَ يُدْرِكُ اِلَّا بَصٰرًا وَ هُوَ اللّٰطِيْفُ الْخَبِيْرُ.»

بدینسان گذارم همی روزگار      و مامول عنی منبع المرام  
ولا زلتُ اسطو کلیث العربین      علی کل خصم الذّ الخصام

(دیوان، ص ۳۲۷)

مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث ۲۶۹

دو بیت بالا اشاره دارد به آیه شریفه «...وَيُشْهِدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ، وَهُوَ  
الَّذِي خِطَابُ».

بگیرم سر ازدهای فلک اگر رای تو گویدم لاتخف

(دیوان، ص ۳۰۰)

این بیت به آیات بسیاری اشاره دارد؛ از جمله: آیه ۷۰ سوره مبارکه هود، آیه ۶۸  
سوره شریفه طه و آیه ۱۰ سوره مبارکه نمل، آنجا که می فرماید:  
«يَا مُوسَىٰ، لَا تَخَفْ...».

داند خدای عرش که گیتی قرار دارد کز رنج دل نیایم شبها همی قرار

(دیوان، ص ۲۷۴)

بیت فوق اشاره دارد به آیه ۵۴ سوره اعراف: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...».

برون شد او چو ابراهیم آزر از آذر به گردش آتش سوزنده گشت چون گلزار  
(دیوان، ص ۲۶۰)

بیت بالا اشاره دارد به آیه ۶۹ سوره مبارکه انبیاء: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ  
إِبْرَاهِيمَ».

حسام توست اجل وز اجل که جست امان

سنان توست قضا وز قضا که یافت فرار

این بیت اشاره دارد به آیه ۱ سوره شریف ۳۴ سوره مبارکه اعراف: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ  
أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ».

داشت روز نشستن تو به ملک فضل آن شب که داشت پیغمبر

(دیوان، ص ۲۵۲)

بیت فوق اشاره دارد به آیه ۱ سوره شریفه اسراء: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا  
مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...»

تو بود خواهی تا حشر پادشاه زمین که مالک الارضینی و وارث الاعمار  
(دیوان، ص ۲۵۰)

اشاره دارد به آیه ۱۰ سوره مبارکه حدید: «...وَاللَّهُ مِعْرَاطُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...».

تبارک الله گفتم بدین پدید آمد کمال قدرت دادار ایزد داور

(دیوان، ص ۲۴۱)

اشاره دارد به آیه ۱۴ سوره شریفه مؤمنون: «...فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.»

اگر ز آهن و پولاد سفته حصن کنی      چو حال آید دست أجل بکوبد در

(دیوان، ص ۲۱۶)

اشاره دارد به آیه ۷۸ سوره مبارکه نساء: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ

فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ...».

آب حوضش به طعم چون زقوم      برگ شاخس به شکل چون نشتر .  
من در این ره نهاده تن به قضا      وز توکل سپرده دل به قدر

(دیوان، ص ۲۱۳)

اشاره دارد به آیه ۵۲ سوره شریفه واقعه: «لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِنْ رَقُومٍ.»

باغ ملک از کف تو خلد نعیم      جای عدل از رای تو دارالقرار

(دیوان، ص ۱۸۶)

اشاره دارد به آیه ۳۹ سوره شریفه غافر: «...وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ.»

آن کس که ستم کرد براین شهر ستم دید      ایزد نپسندد ستم از هیچ ستمکار

(دیوان، ص ۱۴۷)

اشاره دارد به آیه ۵۷ سوره مبارکه آل عمران: «...وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.» و آیات

فراوان دیگر.

شد ولایت صریح من گفتم      ظاهر است این سخن کنایت نیست  
آیستی آمده در این به شما      گرچه امروز وقت آیت نیست

(دیوان، ص ۶۰)

اشاره دارد به آیه ۵۹ سوره شریفه نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

الرُّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...».

قلم چه گفت مدیحش نویسم ار نه من      کجا گزیده یزدان غیب دان شدمی

(دیوان، ص ۵۱۲)

اشاره دارد به آیه ۱ سوره قلم: «تَوَنُّوا وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ.»



اگر نبودی درگوش طبع و خاطر من

شکوه فضل تو هنگام نظم «لاتعجل»

(دیوان، ص ۳۱۹)

اشاره دارد به آیه ۱۶ سوره مبارکه قیامت: «لَا تُخَوِّكُ بِهِ لِسَانُكَ لِتَتَعَجَّلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ».

زین پیش خویش بیند از عمده کتاب به دست خویش فرو در مسائل ایضاح  
همی گذار جهان را به کل محترقه ستوروار همی زی و لاعیلک جناح  
(دیوان، ص ۷۹)

مصراع دوم بیت دوم اشاره دارد به عبارت مشهور قرآنی: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْنَكُمْ» که در آیات عدیده‌ای از قرآن به چشم می‌خورد؛ از جمله آیات ۲۳ و ۱۲۸ سوره مبارکه نساء.

برقی چو دست موسی عمران به فعل و نور آرد همی پسید ز جیب هوا صبا  
گشت ازدهای جان من این ازدهای چرخ ورچه صلاح رهبر من بود چون عصا  
(دیوان، ص ۱)

اشاره دارد به آیه ۱۰۸ سوره مبارکه اعراف: «وَوَضَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ». نبودم جز چنین الحمد لله  
برین خوانم زیزدان استعانت فان الله اكرم مستعانی  
بحق حرمت سبع المثانی

(دیوان، ص ۶۳۱)

دو بیت فوق، به فحوای آیات عدیده‌ای از قرآن کریم اشارت دارند؛ از جمله آیه ۳۶ سوره شریفه احقاف: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

بلی به فرمان گویم اگر هجا گویم از آنکه قول خداوند را به فرمانم  
بخوان ز قرآن بر از یحب و ما یظلم بدان طریق روم ز آنکه اهل قرآنم

(دیوان، ص ۳۶۲)

مصراع دوم بیت اول اشاره دارد به آیه ۴۰ سوره مبارکه نساء: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ...». و مصراع اول بیت دوم اشاره دارد به آیه ۵۷ سوره مبارکه آل عمران: «... وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» و نیز بخشی از آیه ۳۳ سوره شریفه محمد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ».

ب - دیوان ابوفراس حمدانی

بَطِيبٍ أَوْ دَوَاءٍ	أَنَا إِنْ عَلَلْتُ نَفْسِي
بیدالله شفائی	عالمٌ أَنْ لَيْسَ أَلَا

(دیوان، ص ۲۰)

اشاره دارد به آیه ۸۰ سورة مبارکه الشعراء: «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ».

ولاعمل غيرُ ما قدمضى	فلا أملٌ غيرُ عفوَ الإله
وإن كان شراً فشرأ يرى	فإن كان خيراً فخيراً ينال

(دیوان، ص ۲۲)

اشاره دارد به آیه های ۷-۸ سورة شریفه زلزال: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ».

وَكَمْ يَنْقُصُونَ الْفَضْلَ وَاللَّهُ وَاهِبٌ	فَكَمْ يَطْفِئُونَ الْمَجْدَ وَاللَّهُ مُوقِدٌ
و هل لِقضاءِ اللهِ فى الخلقِ هارِبٌ	و هل لِقضاءِ اللهِ فى الخلقِ غالِبٌ

(دیوان، ص ۴۱)

بیت اول اشاره دارد به آیه ۳۲ سورة شریفه توبه: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ الْأَنَّ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ و بیت دوم اشاره دارد به مفاد آیه ۴۷ از سورة شریفه شوری: «إِسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَمْ تَمْرَدْ لَهُ مِنَ اللَّهِ...».

وَأَنَّ الْبَقَا لِلَّهِ فِي كُلِّ مَطْلَبٍ	وَأَنَّ الْقَنَا لِلْخَلْقِ، وَالْخَلْقُ ذَاهِبٌ
وَأَسْأَلُهُ حَسَنَ الْخِتَامِ فِائْتِنِي	لِرَحْمَتِهِ فِي الْبَدءِ وَالْخِتَمِ طَالِبٌ

(دیوان، ص ۵۷)

بیت اول اشاره دارد به مفاد آیه های ۲۶ و ۲۷ از سورة مبارکه الرحمان: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

صبراً لَعَلَّ اللَّهَ يَفُ	سَبَّحُ بَعْدَهُ فَتَحاً يَسِيراً
----------------------------	-----------------------------------

(دیوان، ص ۱۱۶)

مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث ۲۷۳

اشاره دارد به آیه ۲ سوره مبارکه فاطر: «مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

وَلَوْ قَدَّرَ جَوْتُ اللَّهِ لِأَشْيَاءَ غَيْرَهُ  
رَجَعْتُ إِلَى أُمَّلِي وَأُمَّلْتُ أَوْسَعَا

(دیوان، ص ۲۰۹)

اشاره دارد به آیه ۱۰۴ سوره مبارکه نسا: «... وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ و نیز آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب: «...لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ...».

وَالْمَوْتُ خَتْمٌ، كُلُّ حَيٍّ ذَائِقُهُ  
يَا خَائِفَ الْمَوْتِ وَائْتِ سَائِقَهُ  
تَفَرُّ مِنْ شَيْءٍ وَائْتِ ذَائِقُهُ  
مَا أَنَا إِنْ رُمْتُ النِّجَاةَ مَسَابِقَهُ

(دیوان، ص ۲۳۱)

اشاره دارد به آیه ۱۸۵ سوره مبارکه آل عمران: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...».

وَمَنْ لَمْ يُوقِ اللَّهَ فَهُوَ مَمْرُوقٌ  
وَمَنْ لَمْ يَرِدْهُ اللَّهُ فِي الْأَمْرِ كَلِّهِ  
وَإِنْ هُوَ لَمْ يَدُلِّكَ فِي كُلِّ مَسْأَلَةٍ  
أَذَامَا وَفَاكَ اللَّهُ أَمْرًا تَخَافُهُ  
وَإِنْ هُوَ لَمْ يَنْصُرْكَ لَمْ تَلَقْ نَاصِرًا  
وَمَنْ لَمْ يَعْرِ اللَّهَ، فَهُوَ ذَلِيلٌ  
فَلَيْسَ لِمَخْلُوقٍ إِلَيْهِ سَبِيلٌ  
ظَلَلْتُ، وَلَوْ أَنَّ السَّمَاءَ دَلِيلٌ  
فَمَا لَكَ مِمَّا تَسْتَقْبَهُ مُقْبِلٌ  
وَإِنْ جَلَّ أَنْصَارٌ وَعَزَّ قَبِيلٌ

(دیوان، ص ۲۵۴)

۱. آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّقُ مَنْ تَشَاءُ...»؛

۲. آیه ۱۸۶ سوره مبارکه اعراف: «مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ...»؛

۳. آیه ۵۲ سوره مبارکه نساء: «...وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهَ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا».

قَدْ عَذَّبَ الْمَوْتُ بِأَقْوَاهُنَا  
إِنِّي إِلَى اللَّهِ، لِمَا نَابَنَا  
وَالْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ مَقَامِ الذَّلِيلِ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرَ السَّبِيلِ

(دیوان، ص ۲۴۰)

اشاره دارد به آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ».

فَفِي أَيِّ حُكْمٍ؟ أَوْ عَلَى أَيِّ مَذْهَبٍ  
تُحِلُّ دَمِي، وَاللَّهُ لَيْسَ يُحِلُّهُ

اشاره دارد به آیه ۳۳ سوره مبارکه اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...».

لَمْ تَحْمِلِ الْقَلَمَ الدَّقِيقَ يَمِينُهُ وَثَقِيلَ قِرْطَاسِ الْكِتَابِ شِمَالُهُ

(دیوان، ص ۲۶۲)

اشاره دارد به آیات ۱۹ و ۲۵ سوره مبارکه حاقه: «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ... وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ...».

فَأَنْ تَرْغَبُوا فِي الصَّلْحِ فَالصَّلْحُ صَالِحٌ وَإِنْ تَجَنَّحُوا السَّلْمَ، فَالسَّلْمُ أَسْلَمٌ

(دیوان، ص ۲۹۶)

اشاره دارد به آیه ۶۱ سوره مبارکه انفال: «وَأَنْ تَجَنَّحُوا السَّلْمَ فَاجْتَنِّحْ لَهَا...»  
وبالله الدفاع، وأئى سهم  
أحاول دفعه، والله رام؟

(دیوان، ص ۳۱۸)

اشاره دارد به آیه ۱۷ سوره مبارکه انفال: «...وَمَا زَمَيْتَ إِذْ زَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...»  
مَا كَلَّفَ الْإِنْسَانَ آلًا وَوَسْعَةً وَاللَّهُ نَصَّ بَذَاكَ فِي «الْقُرْآنِ»

(دیوان، ص ۳۳۵)

اقتباسی است از آیه ۲۸۶ سوره مبارکه بقره: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِيَّانَا وَسْعَهَا...»  
أَقْرُوا مِنَ الْقُرْآنِ مَا فِي فَضْلِهِ! وَمَا سَلُّوهُ، وَأَفْهَمُوهُ فَحَوَاهُ  
لَوْلَمْ تَنْزَلْ فِيهِ الْا «هَلْ أَتَى» مِنْ دُونَ كُلِّ مَنْزِلٍ، لَكَفَاهُ

(دیوان، ص ۳۴۷)

تصریح دارد به آیه ۱ سوره مبارکه انسان: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً».

مَنْ كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَنَى «الْقُرْآنَ» مَنْ لَفِظَ النَّبِيِّ، وَنُطِقَهُ، وَتَلَّاهُ؟  
مَنْ ذَا أَرَادَ لَهُ نَابِمَقَالِهِ «الصَّادِقُونَ الْقَانِتُونَ» سِوَاهُ؟

(دیوان، ص ۳۴۸)

اشاره دارد به آیه ۱۷ سوره مبارکه آل عمران: «الضَّالِّينَ وَالضَّادِّقِينَ وَالْقَاتِلِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَابِ».

### ۳. تأثیر پذیری دو شاعر از احادیث شریف

با توجه به شواهد، به نظر می‌رسد که میزان تأثیر پذیری مستقیم مسعود سعد از احادیث اگرچه اندک است، در نگاه اول بیشتر از میزان تأثیر پذیری مستقیم ابوفراس

مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه‌سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث ۲۷۵

حمدانی است. با احصایی که صورت گرفت، تأثیرپذیری مستقیم مسعود سعد از احادیث ۳ مورد است ولی ابوفراس حمدانی، فقط در یک موضع از حدیث معصوم (ع) متأثر شده و البته آن مورد هم گونه‌ای تأثیرپذیری از عبارات امام علی (ع) در نهج البلاغه است.

بِقَلْبِي، عَلِيٌّ «جابر» حَسْرَةٌ  
لَهُ، مَا بَقِيَتْ، طَوِيلُ الْبُكَاءِ  
تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَيْسَتْ نَزُولُ  
وَحَسْنُ الثَّنَاءِ وَهَذَا قَلِيلُ

(دیوان، ص ۲۵۶)

در بیت بالا گونه‌ای اقتباس است از عبارت مشهور حضرت امیر (ع) خطاب به پسرش محمد بن حنفیه؛ آنجا که می‌فرماید: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُولُ». (نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ۱۳۷۰: ص ۱۵)

اما از منظر روایی و تاریخی، میزان تأثیرپذیری ابوفراس حمدانی، به مراتب از مسعود سعد فزون‌تر است. ابوفراس طی قصاید مدحیه خود در باب اهل بیت پیامبر (ص)، اشارات فراوانی به احادیث و روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) درباره مسائل حکومتی و اسلامی دارد. این قبیل تصریحات و اشارات در قصایدی همچون میمیه، شافیه، هائیه، نونیه و غیره فراوان به چشم می‌خورد. اما همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، هدف مقاله حاضر، استخراج آن دسته شواهدی است که به‌طور مستقیم از احادیث شریف متأثر بوده‌اند. از این رو از ارائه تأثیرپذیری‌های غیرمستقیم صرف‌نظر می‌کنیم و خوانندگان را به اصل این قصاید ارجاع می‌دهیم. اینک به ذکر چند نمونه از آن دسته اشعار مسعود سعد می‌پردازیم که مستقیم از حدیث متأثر بوده‌اند:

ناشنیدستی که پیغمبر چه گفت  
من شنیدستم زمن باید شنید  
قال «ایاکم و خضراء الدمن»  
دور از آن پاکی که اصل آن پلید

(دیوان، ص ۵۹۳)

که اشاره‌ای است به این حدیث مشهور نبوی: «ایاکم و خضراء الدمن...» (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۶، ص ۷۳)

مصطفی گفت هر عزیز که او  
داند ایزد که من به کدیة طبع  
به دلیلی فتد بود مرحوم  
از ضرورت نمی‌شوم مرسوم

(دیوان، ص ۶۱۴)

اشاره دارد به حدیث نبوی «ارحموا عزیزاً ذل وعینا افتقر وعالمأ ضاع فی زمن جهال». (کلینی، بی تا: ج ۳، ص ۱۵)

در همه حال آشکار و نهان علم ابدان شناسد و ادیان

(دیوان، ص ۵۱۷)

اشاره دارد به حدیث شریف نبوی «العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان».

(سیوطی، ۱۴۰۱ ه. ق. / ۱۹۸۱ م: ج ۲، ص ۱۹۳)

### نتیجه گیری

با تحقیق و بررسی دقیق دیوان‌های دو شاعر حبسیه‌سرای عربی و فارسی در زمینه «میزان تأثیرپذیری از قرآن و حدیث» و مقایسه این تأثیرپذیری از جنبه‌های گوناگون، نتایج زیر حاصل شد:

۱. اشاره به نام انبیا و اولیای الهی و نیز داستان زندگی ایشان در شعر مسعود سعد به مراتب بیشتر از شعر ابوفراس حمدانی است؛ به گونه‌ای که در این زمینه، مسعود سعد حرف اول و آخر را می‌زند.

۲. جلوه مسائل اسلامی و اعتقادی در شعر ابوفراس، بسیار عمیق، هدفمند، و وافی به مقصود است. او قصایدی ویژه در این زمینه دارد که به‌طور عمده درباره دفاع از حقانیت اهل بیت پیامبر (ص) است؛ و قصیده شافیه با ۶۱ بیت، از برجسته‌ترین این مظاهر است. اما جلوه مسائل اسلامی و اعتقادی در شعر مسعود سعد، حاشیه‌ای و پراکنده و بدون هدف و ضمنی است.

۳. جلوه آیات قرآنی در شعر مسعود سعد در شکل‌ها و صورت‌های مختلف، بیشتر از جلوه آنها در شعر ابوفراس حمدانی است؛ به گونه‌ای که می‌توان نسبت سه به یک را پیشنهاد داد.

۴. تأثیرپذیری مستقیم مسعود سعد از احادیث اگرچه اندک است، در مجموع بیشتر از تأثیرپذیری مستقیم ابوفراس حمدانی از حدیث است.

۵. تأثیرپذیری غیرمستقیم از روایات و احادیث در اشعار مذهبی ابوفراس حمدانی بسیار فراوان و غیرقابل مقایسه با شعر مسعود سعد است.

۶. مسعود سعد اشعار و قطعات مذهبی و اعتقادی به معنای اخص ندارد؛ اما

ابوفراس در این زمینه سرآمد و برجسته است.

### کتابنامه

- ابن شهر آشوب، بی تا. مناقب العلماء. نجف: افست.
- ابوفراس حمدانی، ۱۴۱۳ هـ. ق./ ۱۹۹۴ م. دیوان. به کوشش خلیل الدویهی. الطبع الثامن. بیروت: دارالکتب العربی.
- امیرالحاج الحسینی، ابوجعفر، ۱۴۱۶ هـ. ق. شرح شافیه ابی فراس حمدانی. ج ۱. انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- الامین، سید محسن. بی تا. اعیان الثبیعه. لبنان/ بیروت: دارالکتب العربیه.
- خوارزمی، قاسم بن الحسین بن احمد. ۱۳۷۱. بدائع الملح. تصحیح ناصر محسنی نیا. تهران: دانشگاه تهران (رساله فوق لیسانس).
- رشید یاسمی، غلامرضا، ۱۳۶۲. دیوان مسعود سعد. ج ۲. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۱ هـ. ق./ ۱۹۸۱ م. الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر. ج ۱. لبنان/ بیروت: دارالفکر.
- شریف رضی، سید. ۱۳۷۰. نهج البلاغه. به کوشش دکتر سید جعفر شهیدی. ج ۲. انتشارات انقلاب اسلامی.
- ظفری، ولی ..... ۱۳۶۴. حبسیه سرایی در ادب فارسی. ج ۱. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قرآن کریم. بیروت: مؤسسه الایمان.
- کلینی (شیخ). بی تا. اصول کافی. تهران: انتشارات علمی.
- مجلسی (علّامه). بی تا. بحار الانوار. بیروت: انتشارات دارالعلم.
- مروه، محمدمدرضا. ۱۴۱۱ هـ. ق./ ۱۹۹۰ م. ابوفراس الحمدانی الشاعر الامیر. الطبعة الاولى. لبنان/ بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نوریان، مهدی. بی تا. دیوان مسعود سعد. ج ۱. اصفهان: انتشارات کمان.



پروفیسر شمیم گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی